

۲ جهان‌شناسی نظریه تفسیر - تفسیری

۳ تأمل تفسیری در سوره‌های گفتار چهاردهم

۷ از جغرافیای نظریه‌ها، به تعریفی تازه برای نظام تنزیلی

۹ مبانی زبان‌شناسی فقه

۱۰ چارچوب مفهومی - نظری پیشرفت سیاسی

۱۲ بازتعریف فقه نظام

۱۳ سیاست‌ها و تدابیر شهرسازی و معماری



خبرنامه داخلی

مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)

سال دهم، شماره اول

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۱

به نام خداوندگار حکمت تغییر

پیش‌حکایت

«جهان‌نص» اینک و در جهان جدید، حاضر در جهان مدرن و پسامدرن است. «جهان‌دینی» به مثابه زیست‌سپهر رشد و استعلای انسانی در عرصه‌های گوناگون حیات فردی، اجتماعی و تمدنی و «جهان‌ایرانی» به مثابه عرصه عینی متداوم تمدنی، در ساحت جهان معاصر حاضر شده است و درگیر مسئله مشترک چپستی، چرایی و چگونگی تفسیر و تدبیر جهان پیش رو گردیده‌اند. این مهم فراخوان ناگزیر به یک نقشه یا خط مسیر الگوی تدبیر پیشرفت بر مدار دو داشته بلند تاریخی و تمدنی دین قرآنی - اوصیایی و ایرانی بودن ماست. دو تصور برای تحقق پیشرفت وجود دارد: یکی، پیشرفت با تصمیم‌گیری و اراده و فرماندهی متمرکز و دیگری، پیشرفت با طراحی و به راه‌افتادن سازوکارهای ایجادکننده پیشرفت. بیننده‌ی امر اجتماعی به فرآیند تمدنی و میان‌دار کردن امر زیستمانی در کانون تحول توسعه‌ای و لحاظ نقش عرصه علم و نظر در میدان توسعه و پیشرفت، ما را ناگزیر به رویکرد سازوکاری می‌سازد. حوزه فکر دینی و عرصه توسعه‌پژوهی ایرانی عهده‌دار پیشنهاد سطوح اندیشه‌ای، نظریه‌ای و کاربردی این سازوکارهای مستمر، بالنده، ریشه‌دار، نوآورانه، ممتاز و راهبردی آینده‌نگار، در افق وساحت خواهانی و میثاق ملی است. با گذشت پنجاهه از تجربه انقلاب اسلامی ایران، صف نخبگانی جامعه ایرانی به تدریج مسئله پیشرفت ملی را به مثابه مسئله مشترک اجتماعی و به مثابه معقولی ثانوی تلقی نموده است. اینک پرسش از مسئله پیشرفت در سطوح سه‌گانه سازوکاری «الگوی ملی پیشرفت» و در زیرساز آن، «نظریه پیشرفت» و در خاستگاه آن، «اندیشه پیشرفت» به مثابه ابرپارادایم نظام حکمرانی، در جهان اسلامی - ایرانی پیش رو است. در این شماره گزارش‌های زیر پیش روی مخاطب قرار می‌گیرد:

۱. در گروه پژوهش‌های نظری و مطالعات مینا، گزارش «جهان‌شناسی نظریه تفسیر - تفسیری» در دستور تأمل آمده است.
۲. در گروه پژوهش تفسیری فرازهای گام تازه پژوهش در تفسیر هدی با گزارش «تحلیل گفتار چهاردهم از تفسیر هدی» و «از جغرافیای نظریه‌ها، به تعریفی تازه برای نظام تنزیلی» مرور می‌شود؛
۳. در گروه پژوهشی فقه و حقوق نیز گزارش «مبانی زبان‌شناسی فقه» پیش رو است؛
۴. در گروه تحقیق و توسعه و مطالعات راهبردی دو گزارش «چارچوب مفهومی - نظری پیشرفت سیاسی» و «بازتعریف فقه نظام» در دستور تأمل است؛
۵. در گروه پژوهش‌های هنری گزارش «سیاست‌ها و تدابیر شهرسازی و معماری» معرفی می‌شود.

پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت

دبیر علمی: احمد آکوچیان

در گروه پژوهش‌های نظری و مطالعات مبنا، در فصل پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت، با نظر به دو دستاورد این گروه، گزارش «جهان‌شناسی نظریه تفسیر - تفسیری» در دستور تأمل آمده است.

جهان‌شناسی
نظریه تفسیر
- تفسیری

علم و بدین‌سان اجتهاد تفسیری اندیشه تفسیری در سه برش حداقلی تحلیل می‌شود. به تعبیری دیگر نظریه در چه زیست‌جهان اندیشه‌ای حاضر است و ما چگونه می‌توانیم به خودآگاهی به جغرافیای این نظریه اشراف یابیم و خودآگاه چپستی‌ها، چرایی‌ها و چگونگی‌های بسامانی و برسازی آن شویم:

۱. جریان دیالکتیکی نظر - عمل - علم - عمل، سوژه - ابژه و جایگاه پارادایم - پارادایم علم و در این راستا سلسله مراتب جریان فکر اجتهادی: در لحاظ فرآیند دادوستدی نظر به عمل در تجربه اصل زندگی در کلیت ساخت فقه دین تا گام پژوهش توسعه‌ای و بدین‌سان

تعیین جایگاه پارادایم، پس پارادایم علم، پس پارادایم فکر و تفسیر اجتهادی؛

۲. ساحت شناختی یا میدان نظریه (گستره جریان فکر دینی و تحقق دین و زیست دیندارانه در ساحت امر زیستمانی تا فردی تا اجتماعی و تا تمدنی) و بدین‌سان تعیین گستره جریان و کارکرد پارادایم، پس پارادایم اجتهاد تفسیری؛

۳. تلاقی راهبردی منطق‌ها:

در سطوح فلسفه منطق تا فلسفه اصول تا قواعد معرفت تا سیاست روش تا روش و بدین‌سان تعیین منطق جریان پارادایم علم و در این راستا منطق اجتهاد پارادایمی.

در این جغرافیا جایگاه پارادایم علم و بدین‌سان پارادایم اجتهاد

در سلسله نشست‌های برگزار شده در راستای پیشبرد پروژه اجتهاد پارادایمی در تفسیر پیشرفت‌شناخت، در ذیل فصل دوم پروژه با عنوان «فرانظریه تفسیر در دین - فرانظریه تفسیر پیشرفت‌شناخت»، جهان‌شناسی نظریه تفسیر - تفسیری مورد بررسی قرار گرفت.

ماهیت زنده بودن و کارکردی داشتن علم دین، نیازمند بازخوانی فرانظریه‌ای است. عزم نظریه‌شناسی، نظریه‌پژوهی و نظریه‌پردازی پیشرفت دین‌شناخت و دین‌پژوهی پیشرفت‌شناخت را داریم. جغرافیا و جهان فراگیر نظریه یا عرصه فرانظریه دین‌شناخت پیشرفت و پیشرفت‌شناخت دین چیست که از جمله نظام اولویت‌های آن نظریه‌پژوهی و نظریه‌پردازی به روشنی گراید

و به سخنی دیگر، اولویت اول نظام‌گیری اندیشه اجتهادی در تفسیر دین و به تعبیری دقیق‌تر در نظام‌شناسی دین و نظام‌سازی دین‌شناخت توسعه‌ای یعنی پارادایم علم و به طور خاص پارادایم اجتهاد تفسیری چیست؟ چپستی پارادایم، چپستی پارادایم علم و چپستی پارادایم اجتهاد تفسیری، سه لایه درونی کانون مزبور است. ساخت فرانظریه

۴. اینک او می‌تواند با اقلام مفهومی در اختیار، یک گزاره حکمی یا یک قضیه معین یا تصدیق مشخص بنا کند؛

۵. بر اساس گزاره حکمی برگزیده، در برخورد با عینیت پیش رو در پدیده، سؤال پژوهش احصا می‌شود و سؤال‌ها به فرضیه تبدیل می‌شوند؛

۶. فرضیه در پیکربندی مجدد گزاره‌های حکمی فرضیه با لحاظ نوع تمرکز بر صورت مسئله، دارای سه ساخت ممکن است:

۱.۶. در صورتی که متمرکز بر یک پدیده واقعی و معطوف به یک مکان معین و موقعیت مشخص باشد؛ مانند نظریه رفتار روان‌شناخت یک انسان سالم در یک موقعیت معین اجتماعی؛

۲.۶. در صورتی که تعمیم‌پذیری فرضیه برگزیده، افزایش یابد؛ مانند نظریه انسان سالم؛

۳.۶. و در هنگام برآیند داری چند نظریه جامع، ظهور یک نظریه کلان در مثل نظریه مدیریت پیشرفت و ولایت فقیه.

۷. سطوح یادشده پیشین، همواره تحت نظر یک «پارادایم» عمل می‌کند؛

۸. و سطوح پارادایمی نیز تا عمق خاستگاه فلسفه دینی و جهان‌بینی مبتنی بر آن تداوم دارد. اولین بردار از اجتهاد پارادایمی در این «ساخت سلسله مراتبی» رؤیت می‌شود. این خاستگاه پارادایمی، فراخوان فلسفه دینی به دومین بردار یا «دامنه نظریه» است.

این فرآیند ساده شده جزئی به کلی در دادوستد با رویکرد کلی به جزئی و تجریدی به تجربی به صورت خطی (قیاس) و مارپیچی (پس‌کاوی) نیز هست. «مدار نظریه» در این فرآیند رفت‌وبرگشتی شکل می‌گیرد.

در توضیح بردار مبنا در تبیین یک نظریه تفسیری، در سامان رفت‌وبرگشتی کلی به جزئی و برعکس در هر سامانه گزاره‌ای معطوف به مسئله پیشرفت و در همه سطوح معرفت منجر به اقدام، «کارکرداری پیشرفت» ملحوظ نظر است. در ویرایش و تبیینی دیگر، این مدار و بردار (بردار اول)، سطوح فکر اجتهادی را از مبانی پارادایمی تا نظریه، مدل مفهومی و مدل عملیاتی، سطح گفتمانی و تا پایش بازخوردی در برمی‌گیرد و در تمامی این سطوح سازوکار مستمر نظر به اقدام و اقدام به نظر، این فرآیند پیش‌رونده - بازخورنده کارکردی وجود دارد.

“

ماهیت زنده بودن و کارکردی داشتن علم دین، نیازمند بازخوانی فرانظریه‌ای است. عزم نظریه‌شناسی، نظریه‌پژوهی و نظریه‌پردازی پیشرفت دین‌شناخت و دین‌پژوهی پیشرفت‌شناخت را داریم. جغرافیا و جهان فراگیر نظریه یا عرصه فرانظریه دین‌شناخت پیشرفت و پیشرفت‌شناخت دین چیست که از جمله نظام اولویت‌های آن نظریه‌پژوهی و نظریه‌پردازی به روشنی گراید و به سخنی دیگر، اولویت اول نظام‌گیری اندیشه اجتهادی در تفسیر دین و به تعبیری دقیق‌تر در نظام شناسی دین و نظام‌سازی دین‌شناخت توسعه‌ای یعنی پارادایم علم و به طور خاص پارادایم اجتهاد تفسیری چیست؟ چیستی پارادایم، چیستی پارادایم علم و چیستی پارادایم اجتهاد تفسیری، سه لایه درونی کانون مزبور است. ساخت فرانظریه علم و بدین‌سان اجتهاد تفسیری اندیشه تفسیری در سه برش حداقلی تحلیل می‌شود. به تعبیری دیگر نظریه در چه زیست جهان‌اندیشه‌ای حاضر است و ما چگونه می‌توانیم به خودآگاهی به جغرافیای این نظریه اشراف یابیم و خودآگاه چیستی‌ها، چرایی‌ها و چگونگی‌های بسامانی و برسازی آن شویم.

”

تفسیری به روشنی می‌گراید. سه برش مزبور در این فصل اندکی تبیین تفصیلی می‌شود.

۱. جریان و سلسله مراتب جریان شناخت در فکر اجتهادی

جریان شناخت در تصویری ابتدایی، در چرخه و نیز رویکرد کلی به جزئی، تجریدی به تجربی خطی (قیاسی) و مارپیچی (پس‌کاوی) و رویکرد جزئی به کلی، تجربی به تجریدی خطی (استقراء) و مارپیچی (استفهام) با ملاحظه ماهیت پارادایمی ناگزیر فکر اجتهادی، همواره در سلسله مراتب و فرآیند زیر جاری است:

۱. فرآیند شناخت پدیده و روابط میان پدیده، در عینی‌ترین لایه پیوست فکر در تحول، با نمادها و کالدهای پدیده آغاز می‌شود. موضوع مسئله پیش رو این است که پژوهشگر در برخورد با پدیده، نمادی از آن می‌سازد؛

۲. سپس در ضمن دسته‌بندی آن‌ها، تعریفی

معین در توصیفی دقیق و توافق شده در

مورد پدیده ارائه می‌دهد؛

۳. و در معنابخشی پدیده، آن را به

شکل مفهومی خاص در می‌آورد؛



پرواز حیث استنادی اندیشه مرجع به متن نص (قرآن کریم و سنت اوصیایی)

دبیر علمی: رضوانه دستجانی

گروه مطالعات تفسیری، در بخشی از تکاپوی دانشی خود، پردازش حیث استنادی اندیشه مرجع تفسیری به متن نص (قرآن کریم و سنت اوصیایی) را در دستور هم‌اندیشی، پژوهش و تألیف دارد و برای نمونه، در این شماره گزارش «تأمل تفسیری در سوره‌های گفتار چهاردهم» به معرض نظر می‌آید و گزارش «از جغرافیای نظریه‌ها، به تعریفی تازه برای نظام تنزیلی» مرور می‌شود.

خودآگاه‌سازی در متن ضربه‌ها و بحران‌ها و حادثه‌های تند همت‌ورز میزان، ثقل و لنگرگاهی برای تدبیر حکایت زندگی خود باشند.

سوره، دو فصل دارد:

۱. فصل اول: حکایت رستاخیزی بی‌مبنایی و آشفتگی بسیاری زندگی‌ها با آیات ۱ تا ۵؛
۲. فصل دوم: میزان‌های استقرار راهبرنده در متن حادثه‌های زندگی با آیات ۶ تا ۱۱.
۲. مسئولیت‌داری داشته‌ها با سوره تکاثر

این سوره ۸ آیه دارد و در مکه نازل شده است؛ اگرچه مضمون آموزگاری سوره، به فصل قرار مدنی جامعه مسلمانان نزدیک‌تر است. سوره، چشم‌انداز دوسویه روان‌شناخت و گفتمانی به یکی از اصلی‌ترین چالش‌های انسان و جامعه هدف، به مثابه یک آسیب جدی برای جامعه اسلامی دارد؛ درست در بزنگاهی که نام دین قرار گرفته است، اما سامان روان‌شناخت و فرهنگی جامعه رو به زوال گذاشته است؛ درست مشابه آنچه اینک در جامعه اسلامی عصر پس از انقلاب اسلامی در حال رفتن است که به نوبه خود نشان‌دهنده افول پارادایم ناظر به زندگی است. فلسفه زندگی دچار افول و شکستگی شده و برای آدم‌ها به جای حس مسئولیت در برابر داشته‌های خویش، غرور افزون داشتن‌ها حتی به مرده‌های خویش میان‌دار است.

هدف سوره خودآگاهی‌سازی به چالش‌ها و پیامدهای افزون‌خواهی داشته‌ها و قدرت در جامعه اسلامی و آثار و پیامدهای فروپاشنده آن و بدین‌سان، ترسیم مسئولیت‌ها در برابر فرصت‌ها و نعمت‌های زندگی است.

مسئولیت‌پذیری‌ای که نشان‌دهنده

بلوغ پارادایمی انسان و جامعه

هدف است. رواج فرهنگ و



در ادامه سلسله نشست‌های مروری سوره‌های قرآن کریم، سوره قارعه تا ماعون مورد تأمل تفسیری قرار گرفت. در این گزارش به برخی نکات تفسیری این سوره اشاره می‌شود.

۱. عبور رستاخیزی از بی‌هدفی، به میزان‌داری برای همه زندگی با سوره قارعه

این سوره ۱۱ آیه دارد و در مکه نازل شده است. ترسیم و تفسیر رستاخیز در این سوره، آموزگار این نکته بلند است که یک اتفاق هستی‌شناخت به نام رستاخیز به ناگزیر باید جایگاهی در فلسفه زندگی ما و به این قرار، فلسفه دین برگزیده ما داشته باشد. رخدادی که هست و در متن امتداد زندگی آدمیان تنها راه ناگزیر حاصل‌داری نسبت معنی‌داری هستی و معنی‌داری زندگی است. این حادثه ناگزیر زندگی، اگر در فلسفه زندگی دیده شود، میزان‌ها و پایه‌های ژرفی برای بلوغ جنس زندگی می‌گذارد. سوره با نوع گفتمان‌پردازی خود این آموزگاری هستی‌شناخت - فلسفه دینی را با ما دارد. سوره می‌کوشد مخاطب را در موقعیت قرار دهد تا به ضرورت این فرآوری نگرش برسد.

هدف سوره، حاضر ساختن مخاطب در یک موقعیت گفتمانی و به مدد آن، تحلیل نمادین رستاخیزنگر پراکنده اضطراب و حیرت آدم‌هایی است که با وجودی پراکنده و بی‌نظام، بی‌خیال و با همین وصف، چه بسا سرکش در برابر ربّ و دین رسول، زندگی بی‌ریشه‌ای دارند و با